

تازه‌ترین مظنه نهضت ملی مسکن: متری ۱۸ میلیون تومان

معاون وزیر راه گفت: هزینه ناخالص ساخت هر متر مربع واحدهای نهضت ملی مسکن با تعدیل به ۱۸ میلیون تومان می‌رسد.

حبیبا... طاهرخانی معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی در گفت‌وگو با تسنیم درباره هزینه ناخالص تمام‌شده ساخت واحدهای نهضت ملی مسکن اظهار کرد: با قراردادهایی که اکنون داریم و تعدیل‌هایی که اعمال می‌شود، هزینه ساخت هر متر مربع حدود ۱۸ میلیون تومان است. وی افزود: مبنای محاسبه، متراژ حداقلی واحدهاست و بسته به پروژه، متراژ و شرایط ساخت می‌تواند متفاوت باشد. وی با اشاره به تفاوت هزینه واحدهای در حال تحویل با پروژه‌های قبلی گفت: واحدهایی که در دوره قبلی تحویل دادیم، حدود متری ۱۴ میلیون تومان هزینه داشتند، اما واحدهایی که در دوره بعد تحویل می‌دهیم، حدود متری ۱۸ میلیون تومان تمام می‌شوند. طاهرخانی ادامه داد: اگر پروژه‌ای در مراحل پایین پیشرفت باشد و طی چند دوره مشمول تعدیل شود، طبیعتاً رقم هزینه ساخت متفاوت خواهد بود و باید محاسبات دقیق هر پروژه از کارگزار مربوطه دریافت شود. وی تأکید کرد: نمی‌توان تعدیل یک دوره را مبنا قرار داد و فرض کرد در دوره‌های بعد نیز همین میزان تکرار می‌شود؛ زیرا تعدیل‌ها تابع شرایط اقتصادی و هزینه‌های اجرای پروژه هستند.

سیگنال رئیس بانک مرکزی چین به ایران

رئیس بانک مرکزی چین از تقویت پرداخت‌های برون‌مرزی یوآن خبر داده که می‌تواند گزینه‌های تسویه غیردلاری را برای ایران گسترده‌تر کند.

گروه اقتصادی خبرگزاری فارس؛ رئیس بانک مرکزی چین پان گونگ‌شنگ دیروز در نشست با مدیران ۱۵ مؤسسه مالی خارجی اعلام کرد که این بانک خدمات پرداخت برون‌مرزی را بهینه‌تر کرده و «استفاده بین‌المللی از یوآن» را تسهیل خواهد کرد.

گسترش پرداخت‌های برون‌مرزی یوآن می‌تواند استفاده از یوآن در مبادلات تجاری ایران و چین و دسترسی به مسیرهای تسویه غیردلاری را آسان‌تر کند با این حال ایران تاکنون به سامانه رسمی پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین (CIPS) متصل نشده است.

چندوقت پیش رئیس اندیشکده مطالعات راهبردی ایران و چین حسین قاهری به فارس گفت که چین هنگام راه‌اندازی CIPS در اوایل دولت روحانی به ایران پیشنهاد مشارکت داد «اما ایران از این فرصت استفاده نکرد.» بر اساس آخرین آمار رسمی سامانه CIPS دارای ۱۹۴ مشارکت‌کننده مستقیم و هزار و ۵۹۷ مشارکت‌کننده غیرمستقیم است و خدمات آن از طریق بیش از ۵۱۰۰ مؤسسه بانکی در ۱۹۱ کشور و منطقه ارائه می‌شود.



پایان معامله سهام شرکت‌های آمریکایی در ایران

معامله توکن‌های مبتنی بر سهام شرکت‌هایی مانند اپل، تسلا و اسپیس ایکس در چند صرافی رمزارزی متوقف شده و فرایند حذف این دارایی‌ها آغاز شده است. گروه اقتصادی خبرگزاری فارس؛ نوبیتکس، بیت‌پین و رمزینکس از آغاز فرایند حذف برخی توکن‌های مرتبط با سهام شرکت‌های خارجی خبر دادند. نوبیتکس در اطلاعیه خود گفته است که از طرف نهادهای نظارتی موظف شده ارائه خدمات مرتبط با «توکن‌های مبتنی بر سهام شرکت‌های فناوری آمریکایی» را متوقف کند. اوایل مرداد ماه بود که نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس میثم ظهوریان با طرح سؤال از وزرای اقتصاد و ارتباطات درباره تسهیل خرید سهام شرکت‌های آمریکایی از طریق برخی صرافی‌های رمزارزی و تبعات آن برای خروج سرمایه هشدار داده بود. حالا نوبیتکس هفت توکن مرتبط با شرکت‌های آمریکایی شامل اسپیس ایکس، انویدیا، اپل، آلفابت، آمازون، تسلا و مایکروسافت را حذف خواهد کرد. همچنین بیت پین دو توکن مرتبط با تسلا و اسپیس ایکس و رمزینکس توکن مرتبط با اسپیس ایکس را حذف خواهند کرد.

خانم اجازه؟ ۱۶۸ نفر غایب اند...

ماه مهر میناب بدون ماکان، هانی، حامد، خدیجه و ۱۶۴ فرشته دیگر آغاز شد. چگونه می‌توانیم جنایت وحشیانه آمریکایی صهیونی مدرسه شجره طیبه را فراموش کنیم؟

صادق غفوریان
m.ghafoorian@khorasannews.com



امروز اول مهر است؛ روزی که کوچه‌ها و خیابان‌های ایران از عطر پاک‌کن‌های نو، صدای کشیده شدن کفش های تمیز روی سنگ‌فرش‌ها، ترافیک خیابان‌ها و هیاهوی شادمانه کودکانی پر می‌شود که دست در دست والدین‌شان خودشان را به آغوش مدرسه می‌رسانند. خورشید امروز بر سقف مدارسی می‌تابد که پس از ماه ها رخوت و خاموشی، دوباره جان گرفته‌اند. اما در گوشه‌ای از این خاک پهناور، در جنوب آفتاب‌سوخته و نخل‌پرور میناب، مهر امسال بوی دیگری دارد؛ بوی غربت، بوی خاک باران‌خورده بر مزار فرشتگان و بوی دود و آواری که هنوز از حافظه شهر پاک نشده است. میناب امروز زنگ مدرسه‌ای را نمی‌شنود که پارسال درست در همین روز، پناهگاه خنده‌های پاک ۴۰۳ دانش‌آموز و معلم بود؛ مدرسه‌ای که نامش «شجره طیبه» بود و سرنوشت تلخ و سرخش این شد که به نماد معصومیت و ایستادگی کودکان این سرزمین بدل شود.

روزی که آمریکای صهیونی، ننگ تاریخ شد

قبل از ظهر روز نهم اسفندماه سال گذشته، زمانی که تخته‌های کلاس‌ها میزبان واژه‌های مهربانی بودند و صدای همخوانی جدول ضرب در راهروها می‌پیچید، آسمان ناگهان بر سر مدرسه آوار شد. در تجاوزی وحشیانه، موشک ۱۵۰۰ کیلویی سقف آرزوهای این کودکان را شکافت. ۱۶۸ روح پاک از دانش‌آموزان ابتدایی تا معلمان دلسوز در آتش این جنایت پرپر شدند. کلاس‌های درس در چند ثانیه به قربانگاهی جاودانه بدل گشت و میناب برای همیشه داغدار فرشتگانی شد که حتی فرصت نکردند آخرین زنگ تفریح زندگی‌شان را تجربه کنند.

آسیه و قدم‌زدن در بهشت ویرانه‌ها

امروز برای مادران شهدای شجره طیبه، سخت‌ترین اول مهر تاریخ است. «آسیه»، یکی از مادران داغدار، هر فرصتی پیدا می‌کند خود را به محوطه ویران‌شده مدرسه می‌رساند. او روبه‌روی تلی از آوار می‌ایستد و ساعت‌ها به جایی خیره می‌شود که روزی دختر کوچکش در آن جا می‌دوید. آسیه می‌گوید: «دخترم برای بازگشایی مدارس سر از پا نمی‌شناخت. این ویرانه‌ها برای من هم بهشت است و هم زندان خاطرات. هر روز می‌آیم تا شاید صدای خنده‌اش را بشنوم، یا لااقل شب به خوابم بیاید...»

من، هادی، حامد و هانی...

اما در کنار این مادران، پدرانی هستند که سکوت خانه‌شان، از فریاد آوارها سنگین‌تر است. برای «هادی پری‌تقی‌نژاد»، پدر شهیدان هانی و حامد، درد جای خالی فرزندان، دردی است که هر روز صبح با او بیدار می‌شود. هادی در هشت ماه گذشته، تقریباً هر روز و گاهی روزی دوبار به گلزار شهدا می‌رود. او نمی‌خواهد میان خودش و پسرانش فاصله بیفتد. وقتی در خردادماه، در خلوت صبحگاهی‌اش در کنار مزار هانی و حامد دیدمش، پرسیدم: «چرا صبح به این زودی آمدی؟ شب هم دوباره می‌آیی؟» هادی با نگاهی که هزاران حرف نگفته داشت، گفت: «صبح که از خواب بلند شدم، جاشون خالی بود. دلم براشون تنگ شد، بلند شدم اومدم... به نظرت چه کار کنم، نیام؟»

با هادی به اول مهر سال قبل رفتم

حالا چهار ماه پس از دیدارم با هادی در میناب، دیروز تلفنی با او همکلام شدم. از هادی خواستم من را همراه خاطراتش به اول مهر ۱۴۰۴ ببرد؛ به روزهای پرشوری که هنوز هانی و حامد بودند. می‌گوید: «هیچ‌وقت از خاطرم نمی‌رود. شوق و ذوق حامد برای کلاس اولی بودنش، لباس‌های نو و کفش‌های تازه‌اش خیلی زیاد بود حتی بیشتر از هانی. آن روز صبح که از زیر قرآن رد شدند و به سمت مدرسه رفتند، چقدر خوشحال بودند. این عکس که برایت فرستادم، اول مهر پارسال، آخرین تصویری است که از آن‌ها دارم.»

وقتی از هادی می‌پرسم در این هشت ماه بی‌آن‌ها چه می‌کنی، بغضش می‌شکند: «پاسخ این سوال برایم خیلی سخت است. ما همیشه با هم بودیم. شب‌ها پلی‌استیشن بازی می‌کردیم؛ با هم خیلی رفیق بودیم. حالا پنج‌شنبه و جمعه‌ها برایم عذاب است؛ چون همیشه خانواده‌گی بیرون می‌رفتیم، دریا یا شهربازی... حالا آن خاطرات مثل فیلم از جلوی چشمم رد می‌شوند و هیچ‌وقت از ذهنم پاک نمی‌شوند.»

روایت زخم‌های خاموش؛ ۲۸۳ جسم جا مانده

در میان این اندوه، بخش تلخ دیگری از نهمین اسفند میناب هنوز در سکوت مانده است؛ روایت بازماندگان. مدرسه شجره طیبه ۴۰۳ دانش‌آموز داشت. ۱۲۰ نفر از این فرشتگان به شهادت رسیدند، اما ۲۸۳ نفر دیگر زنده ماندند. کودکانی که لحظاتی قبل از حادثه از مدرسه خارج شده بودند یا با تن‌هایی مجروح از زیر آوار بیرون کشیده شدند.

این ۲۸۳ بازمانده، امروز بار سنگین کابوسی را به دوش می‌کشند که واژه‌ها از توصیف آن ناتوان‌اند. کودکانی که به چشم خود سوختن همکلاسی‌ها و فروریختن سقف بالای سر معلمانشان را دیده‌اند. امروز که دوباره اول مهر است، این کودکان چگونه باید به صدای زنگ مدرسه گوش بسپارند بی‌آنکه هراس آوار بر جانشان بیفتد؟ سفر به میناب و دیدن نگاه‌های مات این بازماندگان نشان می‌دهد که زخم این جنایت فقط بر پیکر شهدا ننشست، بلکه روح ۲۸۳ نخل کوچک را نیز برای همیشه لرزاند.

رویش دانه‌ها در دل خاکستر

دشمن گمان می‌کرد با اصابت موشک، مشعل دانش را خاموش می‌کند، اما حقیقت این خاک چیز دیگری است. در نزدیکی همان زمین آوار شده، مدرسه‌ای نوسر برآورده؛ مدرسه‌ای با نام «شهدای شجره طیبه» که امروز درهایش را به روی ۲۴۰ دانش‌آموز گشوده است.

کلاس‌ها دوباره پر شده‌اند، اما این بار هر نیمکت حال‌وهوای دیگری دارد. در بالای هر تخته سفید، عکس لبخند کودکانی قاب شده که حاضر نیستند، اما حضورشان در تک‌تک نفس‌های بچه‌ها حس می‌شود. معلم وقتی فهرست حضور و غیاب را باز می‌کند، پیش از خواندن هر نام، بغضش را فرو می‌خورد. آیا باید نام ۱۲۰ شهید را هم خواند؟ نام‌هایی که هرگز پاسخ «حاضر» نخواهند داد، اما صدای معصومیت‌شان تا ابد در راهروهای تاریخ این سرزمین طنین‌انداز است.

خانم اجازه؟ ما ایستاده‌ایم...

امروز در میناب، اول مهر فقط روز آغاز سال تحصیلی نیست؛ روز تجدید عهد با خون‌های پاکی است که روی برگه‌های دفتر مشق ریخته شد. همکلاسی‌های بازمانده، پدرانی مثل هادی و مادرانی مثل آسیه، همگی در برابر این فاجعه ایستاده‌اند تا به دنیا بگویند صدای قلم با موشک خاموش نمی‌شود. اگرچه جای ۱۶۸ صندلی برای همیشه در کلاس‌های میناب خالی است، اما دانش‌آموزان این دیار با همان مدادهای به‌یادگار مانده از دوستان شهیدشان، بر صفحه اول کتاب‌هایشان خواهند نوشت: «خانم اجازه؟ راه شهدا ادامه دارد...»



پشت‌پرده‌های جدید از رانت واردات خودرو

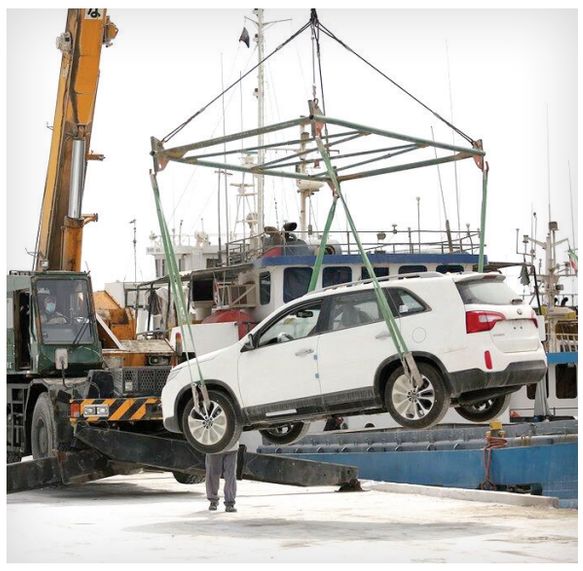
دستیار رئیس کل بانک مرکزی تشریح کرد: سازوکار جدید واردات چگونه به خروج چندبرابری ارز و سوداگری در کف بازار دامن می‌زند؟

گروه اقتصاد – ماجرای واردات خودرو و نحوه تأمین ارز آن بار دیگر به کانون مناقشات سیاست‌گذاری ارزی و تجاری کشور بدل شده است. در شرایطی که محدودیت‌های منابع ارزی، تخصیص ارز به کالاهای اساسی و اولویت‌دار را به دغدغه اصلی سیاست‌گذار پولی تبدیل کرده، ورود خودروهای لوکس تحت عناوین مختلف و به‌ویژه با کارت «ارز اشخاص مقیم خارج»، واکنش صریح بانک مرکزی را در پی داشته است. مهدی دارابی، دستیار رئیس کل بانک مرکزی، در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با تشریح ابعاد پنهان این شیوه واردات، تأکید کرد که ایده «تأمین خودرو بدون فشار به منابع ارزی کشور» یک خطای محاسباتی است و این سازوکار در عمل، به تخلیه ارز از بازار غیررسمی و خروج کلان سرمایه از کشور منتهی می‌شود.

چرخه معیوب «ورود با ۲۰ هزار دلار، خروج با ۶۰ هزار دلار»

موافقان آزادسازی واردات برای ایرانیان خارج از کشور همواره ادعا می‌کنند که این خودروها از محل درآمدهای خارجی افراد تأمین شده و هیچ فشاری به منابع ارزی داخل کشور وارد نمی‌آورد. دستیار رئیس کل بانک مرکزی اما با رد این فرضیه، چرخه مالی واقعی این فرایند را این‌گونه شفاف کرد: «حتی با فرض این که فرد مقیم خارج، ارز واقعی در اختیار داشته باشد و خودرو وارد کند، او نیازی به نگهداری این خودرو در ایران ندارد؛ بنابراین خودرو را در بازار داخلی به ریال می‌فروشد. از آن جا که این فرد ریال را در ایران نگه نمی‌دارد، کل عایدی ریالی را در کف بازار داخلی به ارز تبدیل کرده و از کشور خارج می‌کند.»

دارابی در توضیح ابعاد این خروج سرمایه افزود: «در چنین فرایندی، فردی که خودرو را با قیمتی حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار در خارج از کشور خریداری کرده، آن را با قیمت‌های تورمی معادل ۵۰ تا ۶۰ هزار دلار در بازار انحصاری و تشنه ایران می‌فروشد. سپس ارزهای موجود در بازار آزاد را جمع‌آوری کرده و عملاً چند برابر رقم اولیه، ارز از کشور خارج می‌کند.» به گفته وی، نه تنها ارز این خودروها از منابع خارجی



به اقتصاد تزریق نمی‌شود، بلکه این سازوکار به جمع‌آوری ارز از کف بازار داخلی دامن می‌زند.

تبعیض آشکار میان شهروندان داخل و مقیمان خارج

دارابی با طرح یک پرسش بنیادین، جنبه‌های عدالت اقتصادی این تصمیم را زیر سؤال برد و گفت: «چرا باید به مردمی که داخل ایران زندگی می‌کنند و با واقعیت‌های اقتصادی این کشور روبه‌رو هستند اجازه واردات خودرو ندهیم، اما برای افرادی که در خارج از کشور اقامت دارند چنین امتیازی قائل شویم؟ لزومی ندارد رانت واردات خودرو به ایرانیان مقیم خارج از کشور داده شود؛ آن هم در شرایطی که ریال حاصل از این رانت، در قالب ارز جمع‌آوری شده از بازار آزاد، از کشور خارج می‌شود.»

این اظهارات به‌ویژه در واکنش به بخشنامه‌های اخیر مبنی بر رفع ممنوعیت واردات برخی خودروهای لوکس نظیر لکسوس و لندکروز مطرح می‌شود؛ مصوباتی که به باور کارشناسان، بیش از آنکه کمکی به ساماندهی بازار خودروهای اقتصادی و مصرفی عموم جامعه کند، امتیازی ویژه برای اقشاری خاص ایجاد کرده است.

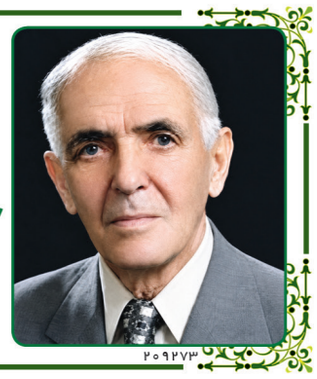
شگرد تکراری: دپو در گمرک و سپس فشار برای ترخیص

دستیار رئیس کل بانک مرکزی همچنین به یک رویه پرمسئله و ساختاری در حوزه تجارت خارجی اشاره کرد؛ رویه‌ای که با دور زدن سیاست‌های ارزی شکل می‌گیرد. وی در پاسخ به این پرسش که چرا در اوج مضیقه‌های ارزی، خودروهای لوکس ترخیص می‌شوند، تصریح کرد: «بانک مرکزی هیچ‌گاه برای واردات خودروهای لوکس ارز تخصیص نداده است. متأسفانه شگردی که در سال‌های اخیر مکرر تکرار شده این است که کالا ابتدا وارد گمرک و در آن جا دپو می‌شود. پس از رسوب کالا، فشارهای متعددی از سوی جریان‌های مختلف وارد می‌شود که چرا کالاها در گمرکات مانده و باید هرچه سریع‌تر ترخیص شوند؛ در نتیجه همین فشارها، ترخیص خودروها اتفاق می‌افتد.»

اولویت‌های ارزی؛ واردات آری، اما با قاعده و شفاف

دارابی در پایان خاطرنشان کرد که بانک مرکزی مخالفتی با اصل واردات خودرو به عنوان یک نیاز مصرفی ندارد، اما در حال حاضر موازنه‌های ارزی اقتضائات متفاوتی را دیکته می‌کند: «اگر محدودیت ارزی نداشتیم، واردات خودرو نیز باید روندی عادی را طی می‌کرد. اما در شرایط کنونی، اقلام ضروری و اساسی با اولویت‌های بسیار بالاتری وجود دارند. اگر قرار است وارداتی انجام گیرد، نیازمند شفاف‌سازی دقیق کانال‌های ارزی و بستن روزنه‌های سوداگری و خروج سرمایه است.»

خاندان محترم یک کلام و حبیبی زاده
سرکار خانم مهندس مهشید حبیبی زاده
و مهربد عزیز ...
در گذشت ناگهانی
جناب آقای دکتر محمدرضا یک کلام
را به شما عزیزان تسلیت گفته ...
ما در این سوگ بزرگ همراه و هم دل شما
عزیزان هستیم ....
شوکت فدایی، ابتهاج
۲۰۹۹۸۴

اول مهر
مصادف با یازدهمین سالگرد فقدان
همسر و پدر مهربانمان شادروان
حاج غلامحسین فلامکی اول
یاد و خاطرش را گرامی می داریم
همسر و فرزندان

۲۰۹۲۷۳

جناب آقای دکتر حسین صدیقی
ضایعه درگذشت مادر بزرگوارتان را
صمیمانه تسلیت عرض می نماییم.
از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه
مغفرت و برای بازماندگان صبر و
شکیبایی مسئلت داریم.
دکتر مهدی مهدی نژادوبانو
دکتر طاهر پور وبانو
۲۰۹۹۳۵


یکم مهر ماه بیست و پنجمین سال
درگذشت زنده یاد
حاج محمود مزرعه ملائی
را گرامی می داریم. روحش شاد
خانواده مزرعه ملائی
۲۱۰۰۹۳